



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۴۸	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۱۲
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

بحث ما در فرع ششم از فروع مربوط به شرط سوم از شروط وجوب تقصیر است که عبارت بود از استمرار قصد.

شرط اول: قطع مسافت

شرط دوم: قصد

شرط سوم: استمرار قصد

در فرع هفتم از فروع مربوط به شرط سوم هستیم.

فرع هفتم: اگر از ابتدا قصد هشت فرسخ داشت و قصد مرور به وطن یا اقامه ده روز در وسط راه نداشت پس وارد سفر شد و یکی دو فرسخ که رفت به نظرش رسید در وسط راه توقف کند به این صورت که یا قصد دهه کند یا از وطن خود بگذرد و این معنا از اول در نظر او نبود و وقتی در مسیر آمد به نظرش رسید توقفی ده روزه داشته باشد؛ مقداری که رفت قصد او عوض شد و تصمیم گرفت که توقف نکند و اقامت نکند یا از وطنش عبور نکند و قصد اولیه اش دوباره برگشت که همان ادامه سفر تا مقصد قبلی بوده؛ مرحوم صاحب عروه رحمته الله در بیان این فرع می فرماید:

«لو لم يكن من نيته في أول السفر الإقامة أو المرور على الوطن وقطع مقداراً من المسافة ثم بدّله ذلك قبل بلوغ الثمانية، ثم عدل عما بدّله وعزم على عدم الأمرين فهل يضمّ ما مضى إلى ما بقي إذا لم يكن ما بقي بعد العدول عما بدّله مسافة فيقتصر إذا كان المجموع مسافة ولو بعد إسقاط ما تخلّل بين العزم الأول والعزم الثاني إذا كان قطع بين العزمين شيئاً؟ إشكال خصوصاً في صورة التخلّل، فلا يترك...»^۱

ایشان می فرماید: از اول اینچنین نیتی نداشت و می خواست قطع مسافت کند سپس مقداری از مسافت را که طی کرد نیت اقامت یا عبور از وطن برای او حاصل شد و بعد از مدتی از این نیت رجوع کرد و به همان نیت اول که اتصال سفر باشد عدول کرد و عزم پیدا کرد بر عدم توقف برای ده روز یا عدم مرور بر وطن؛ حالا آیا این مقداری که از سفر باقیمانده بعد از عدول از این عدول؛

در اینجا دو عدول داریم:

عدول اول: آنجایی بود که در وسط راه از قصدش مبنی بر حرکت بدون وقفه عدول نمود.

عدول دوم: عدول از قصدش مبنی بر ایجاد وقفه است.

حالا اگر بعد از این عدول ثانی آیا مسافت باقیمانده را ضمیمه کند به مسافتی که تاکنون طی کرده که اگر در مجموع هشت فرسخ می شد آیا باید قصر بخواند؟ حتی فرض کنید بین این دو عدول مقداری از مسافت را هم طی نموده حتی این را هم حذف کنیم با حذف این و ضم مابقی با آنچه قبلاً طی نموده روی هم رفته مسافت می شود که می فرماید: «اشکال».

بعد هم می فرمایند که احتیاط وجوبی اقتضا می کند که جمع کند بین جمع و اتمام. به هرحال این احتیاط ها را بزرگان ما داشته اند که کاشف از روحیه ورع و تقوایی است که آنها داشته اند اما ما تلاش نمودیم که آنچه با ضوابط منطبق می شود را بیان کنیم.

بنابر آنچه در قبل گفتیم که عروض انتفای قصد در میانه راه مخّل به شرط سوم وجوب التقصیر است که استمرار قصد المسافه بود، در وسط راه و قبل بلوغ المسافه اگر تردد حاصل شد دیدیم قصد مستمر نیست و لو دوباره به قصد اول خود برگردد و استدلال هم بر آن آوردیم و گفتیم عدم القصد موجب می شود که قصد ما قبل از این عدم با قصد ما بعد این عدم دو قصد بشود و نه یک قصد و معنی تخیل قصد همین است و آنچه موجب تعدد می شود تخیل عدم بین وجودین است؛ در این حالت تکلیف تمام است چون فرض این است که باقیمانده بقدر مسافت نیست و نمی توان باقیمانده مسافت را منضم نمود به مسافتی که قبل از تبدل عزم برای او حاصل شده زیرا مسافتی که قبلاً قطع کرده با یک قصد بوده و مسافت فعلی که قطع می کند با قصد دیگر است پس استمرار القصد حاصل نشده؛ اما این مسأله احتیاج به تفصیل بیشتری دارد تا به خوبی روشن شود:

دو فرض در اینجا وجود دارد:

فرض اول: اینکه سفر را شروع کند به قصد مسافت و در ابتدا هم قصد توقف ندارد و قصد عبور بر وطن خود هم ندارد ولی در وسط راه به نظرش می رسد توقف با عبور از وطن کند بعد دوباره از این قصد برمی گردد اما مابقی مسافت باشد این فرض را مرحوم صاحب عروه رحمته الله مطرح نموده است.

اگر مابقی مسافت باشد باید نماز خود را قصر بخواند و بعد از این دو عدولی که برای او حاصل شده و عزم جدیدی که برایش حاصل شده و این قصد جدید قصد مسافت است چون فرض این است که باقیمانده به قدر مسافت است ولو ملفقاً روی هم رفته باقیمانده و بازگشت روی هم رفته هشت فرسخ باشد، در این صورت لاشک در وجوب تقصیر. اما نمازهایی که خوانده باید چه بکند؟

در اینجا قبل از عدول دوم [که قصد کرد به سفر ادامه بدهد] و فرض این است که سفر را ادامه می دهد و باقیمانده هم مسافت است؛ ابتدا قصد مسافت داشت و بعد نیت توقف برای او حاصل شد و بعد دوباره از این نیت برگشت در اینجا دو حالت دارد:

۱. بعد از عدول اول: نمازهای قبل از آن را شکسته اگر خواند؛ تکلیف الان او تمام است، اما قبلاً نمازهایی خوانده تملیف آنها چیست؟ بر مبنای آنچه قبلاً گفتیم و توضیح دادیم و جمع کردیم بین روایت سلیمان بن حفص مروزی که می فرمود: «أعاد الصلاة» و بین صحیح زرار که می فرمود: «صحت صلاته و لایعید» که صحیح زرار را حمل بر عدم وجوب قضا کردیم و صحیح حفص را حمل بر وجوب اعاده کردیم. در این فرض نماز سابق را اگر وقت باقی است هنوز

باید اعاده کند آن نمازی را که شکسته خوانده است و اگر وقت گذشته است در این صورت قضا بر او واجب نیست این از فرض اول؛ چه بین عدولین قطع مسافت کرده باشد یا قطع مسافت برای او حاصل نشده باشد.

۲. فرض دوم: فرضی است که مابقی بعد از عدول ثانی به قدر مسافت نباشد؛ از آنچه قبلاً گفته ایم روشن شد که نمی توان منضم کرد مابقی مسافت را با مسافتی که قبل از عدول اول طی کرده اینجا نمی توان منضم نمود زیرا آنچه بینهما واسطه شده عدم القصد است که متخلل بین مسافت اول و دوم شده و شرط سوم وجوب قصر را از بین برده است که استمرار القصد بود.

پس در مابقی سفر و در بین العدولین و در قبل آن باید تمام بخواند؛ در حالت قبل از عدول اول اگر شکسته خوانده بود و این عدول در وقت برای او حاصل شد باید نماز را تماماً اعاده کند، در هنگام عدول یعنی بین العدولین هم باید تمام بخواند زیرا آنچه طی نموده مسافت نیست و فعلاً هم که در حال قصد اقامت ده روزه است و الان هم قصد طی مسافت ندارد پس يجب علیه التمام بین العدولین و در مابقی مسافت هم يجب علیه التمام هر چند اگر مابقی را منضم به غیر آن کند روی هم رفته مسافت است اما چون استمرار القصد نیست پس باز هم تمام بر او واجب است و آنچه صاحب عروه رحمته الله آورده که باید احتیاط کند می گوییم وجهی برای احتیاط نیست و مسأله معلوم است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ